

۱۶۱۹۹۰۷

السلام علیکم ورحمۃ اللہ وبرکاتہ

حقیقت ایمان از دیدگاه دی عالم شیعه و اشعری

مؤلف :

مریم قلی پور

سرشناسه	: قلی پور، مریم، ۱۳۶۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: حقیقت ایمان از دیدگاه دو عالم شیعه و اشعری مولف مریم قلی پور.
مشخصات نشر	: تهران انتشارات راه دکتر سنجش و دانش ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۷ ص. ۲۲ × ۲۹ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۵-۴۶۸-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: فخر رازی، محمد بن عمر، ۴۴۴ - ۶۰۶ ق. -- دیدگاه درباره ایمان
موضوع	: Fakhruddin Al-Razi -- Views on faith
موضوع	: طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- دیدگاه درباره ایمان
موضوع	: Tabatabai, Sayyed Muhammad Husayn-- Views on faith
موضوع	: ایمان (اسلام) -- مطالعات تطبیقی
موضوع	: -- Comparative studies Faith (Islam)
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ۷ ح ۸۵ ق ۲ / BP ۲۲۵
رده بندی دیویی	: ۴۶۴ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۱۱

عنوان: حقیقت ایمان از دیدگاه دو عالم شیعه و اشعری

مولف: مریم قلی پور

ناشر: انتشارات راه دکتر سنجش و دانش

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

صفحه آرای: مهتاب دوستی

طراح جلد: مهتاب دوستی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰،۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی برای مولف محفوظ می باشد

www.rezomephd.ir

www.sanjesh.ir



فهرست مطالب

مقدمه	۱
طرح مسئله	۱
سئوالات	۲
سوال اصلی:	۲
سئوالات فرعی:	۲
فرضیات	۳
مواد و روش ها (روش)	۳
ساختار مباحث	۴
پیشینه بحث	۴
زندگی نامه	۵
فصل اول	۱۰
معناشناسی ایمان	۱۰
(۱) طرح مسئله	۱۱
(۲) معنای لغوی و اصطلاحی «حقیقت» و «ایمان»	۱۱
معنای لغوی «حقیقت»	۱۱
معنای اصطلاحی «حقیقت»	۱۱
معنای لغوی «ایمان»	۱۲
معنای اصطلاحی «ایمان»	۱۳
ایمان در رهیافت کلامی	۱۳
الف) دیدگاه فخررازی	۱۴
ب) دیدگاه علامه طباطبائی	۱۴
پ) دیدگاه اشعری	۱۴
ت) دیدگاه متکلمان اشعری	۱۵
ث) دیدگاه عضد الدین ایجی	۱۵
ج) دیدگاه باقلانی	۱۵
چ) دیدگاه معتزله	۱۶
ح) دیدگاه امامیه	۱۶
ایمان در رهیافت عرفانی	۱۸
ایمان در رهیافت فلسفی	۱۸

۲۰	سیر تاریخی پیدایش مساله ایمان:
۲۳	نتیجه گیری:
۲۴	فصل دوم:
۲۴	ایمان جبری و ایمان اختیاری از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبایی
۲۵	طرح مساله:
۲۶	(۲) چهار نظریه کلی در مورد جبر و اختیار:
۲۶	نظریه جبر:
۲۶	نظریه کسب:
۲۷	نظریه تفویض:
۲۷	امر بین الامرین:
۲۸	اختیار از دیدگاه فخر رازی:
۳۲	تفویض از دیدگاه فخر رازی:
۳۳	جبر محض از دیدگاه فخر رازی:
۳۴	فخر رازی و ایمان اجباری:
۴۲	جبر و تفویض از دیدگاه علامه طباطبایی (ره):
۴۸	علامه طباطبایی و ایمان اختیاری:
۵۵	نتیجه گیری و جمع بندی:
۵۶	فصل سوم:
۵۶	ایمان تقلیدی از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبایی:
۵۷	(طرح مساله:
۵۸	(۲) اقسام تقلید:
۵۸	تقلید در اسلام بر دو قسم است: ممنوع و مشروع:
۵۸	تقلید ممنوع:
۶۰	تقلید مشروع:
۶۲	ایمان تقلیدی در میان مکاتب کلامی:
۶۲	ایمان تقلیدی از دیدگاه فرقه مرجئه:
۶۲	ایمان تقلیدی از دیدگاه اشاعره:
۶۵	ایمان تقلیدی از دیدگاه شیعه:
۶۹	تقلید از دیدگاه فخر رازی:
۷۲	(۵) ایمان تقلیدی از دیدگاه فخر رازی:
۷۶	(۶) تقلید از دیدگاه علامه طباطبایی (ره):

۷۸	ایمان تقلیدی از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)
۸۵	نتیجه گیری
۸۶	فصل چهارم
۸۶	ایمان قلبی از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبایی
۸۷	طرح مساله
۸۷	۲) جایگاه قلب نزد اندیشمندان مسلمان
۹۱	۳) ایمان قلبی از دیدگاه فخر رازی
۱۰۷	۴) ایمان قلبی از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)
۱۲۰	نتیجه گیری جمع بندی
۱۲۲	جمع بندی نتیجه گیری کلی
۱۲۳	منابع و مأخذ

www.ketab.ir

طرح مسئله

مسأله‌ی حقیقت ایمان از مباحث بسیار مهم کلامی است که به اشکال مختلف ذهن متکلمان اسلامی و غیر اسلامی را به خود مشغول کرده است. متکلمان بر اساس مبانی فکری و اعتقادی مکتب مختص به خود، به اظهار نظر در مورد حقیقت ایمان پرداخته اند. چنانکه برخی مانند باقلانی ایمان را عبارت از: علم و تصدیق؛ و کفر را عبارت از: جهل و تکذیب می داند که بنا بر عقیده ی او، تکذیبی صورت نگیرد ایمان باقی است. برخی هم مانند ابوعلی و ابوهاشم معتقدند: «ایمان عبارت از انجام واجبات به تنهایی، بدون انجام مستحبات است.» (رازی، ۲، ۴۲۰/۱) تا مدتی که اگر کسی خدا را با قلبش شناسد سپس با زبانش انکار کند و قبل از اقرار به ایمان ببرد، رمن کامل الایمان خواهد بود. تفتازانی هم ایمان را فعل قلب و یک باور و تصدیق درونی می داند نه معرفت، عمل را داخل در مفهوم ایمان نمی داند. نظام هم براین باور است که ایمان عبارت از خودداری از تمام آنچه که در آن وعده‌ی عذاب داده شده بنابراین، مومن نزد خداوند هر کسی است که از گناهان کبیره خودداری کند و نزد ما مومن هر کسی است که از آنچه در موردش وعده‌ی عذاب وارد شده، خودداری کند.» (همان). این در حالی است که اکثریت متکلمین شیعه ایمان را معرفت به خدا، رسول خدا و ماجاء به النبی دانسته اند و لذا ایمان را از مقوله‌ی معرفت متمایز دانسته و برخی تعبیّرات واژه‌ی تصدیق را به کار برده اند که همان معنی معرفت است. باید دانست که تصورات نادرست در مورد ایمان این شبهات را ایجاد می کند که پیروان فرق و مذاهب مختلف یکدیگر را به راحتی به کفر متهم کرده و درگیری به بار بیاورند. چنانکه در عصر حاضر جهان اسلام، بیش از هر زمان دیگر از فتنه‌ی تکفیر رنج می برد.

مسئله‌ی ایمان از مهم‌ترین مسائل کلامی است که متکلمان اکثراً در آثار خود به بحث از ایمان پرداخته و عقاید مکتب خود را با ذکاوت بیان کرده‌اند و گاهی در این مسیر به بیراهه رفته‌اند که افراد بسیاری را به گمراهی و ضلالت کشانده و گاهی هم با امداد از انوار نورالهی راه حق را پیموده و افراد بسیاری را هدایت کرده‌اند. از میان مسائل کلامی شناخت حقیقت ایمان دارای اهمیت وافری است و لذا «حقیقت ایمان» را چون مرتبط با حضرت حق است تلاش در جهت ارائه‌ی مطالبی است که فخر رازی و فیلسوف و متکلم بزرگ شیعی و دیگر بزرگان در این مورد بیان داشته‌اند پرداخته خواهد شد.

سئوالات

سوال اصلی:

الف) حقیقت ایمان در نگرش فخر رازی و علامه طباطبائی چیست؟

سئوالات فرعی:

الف) ایمان از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبائی چیست؟ آیا اختیاری است یا اجتناب‌ناپذیر؟

ب) ایمان تقلیدی در مورد بندگان و مکلفان؛ آیا واجب است یا نه؟

ج) در صورت اختیاری بودن ایمان؛ می‌توان پرسید که کدام‌یک از بخش‌ها و ساحت‌های

آدمی در تحقق ایمان نقش محوری و کلیدی دارند؟

فرضیات

۱. حقیقت ایمان را فخر رازی، صرف تصدیق قلبی و اقرار زبانی به پیامبر (ص) و وحی الهی که توسط او برای هدایت و سعادت بشر آورده شده است می داند و علامه حقیقت ایمان را فعل قلبی و اعتمادی امیدوارانه و متوکلانه به امری مقدس می داند که لوازم عملی به همراه دارد، می داند.

۲. فخر رازی ایمان را امر جبری می داند و علامه انسان را در ایمان یا کفر مختار می داند و معتقد است اساساً ایمان اضطراری به دردی نمی خورد.

۳. فخر رازی ایمان را تقلیدی را قبول نداشته است، و معتقد بوده اگر اعتقاد کسی برهانی و مدلل نباشد نمی توان نام مومن را بر او گذاشت. چنانکه علامه هم که ایمان را صرف علم نمی داند و معتقد است مومن باید به متضای علم خود ایمان داشته باشد و ایمان تقلیدی را همانند متکلمین شیعه قبول ندارد.

۴. فخر رازی اذعان می کند زمانی که معصیت با قلب حاصل گردد و اقرار زبانی در ظاهر حاصل گردد ایمان حاصل می شود و ایمان را با بخش زبان و قلب در ارتباط می داند در حالیکه علامه ایمان را از آنجایی که یک گرایش قلبی برخاسته از تماینها و سکوت نفس است و نهایت ایمان را شهودی میداند و آن را با بخش قلب در ارتباط می داند.

مواد و روش ها (روش)

روش به صورت تطبیقی و توصیفی بوده و کتابخانه ای است که با مراجعه به منابع و کتب مربوط به تحلیل و گزارش اطلاعات پرداخته می شود و شباهت ها و تمایزات و نتایج این مقایسه ها استخراج می شود.

مواد مورد استفاده همان کتاب ها و متون مرتبط خواهد بود و در صورت تایید استاد راهنمای محترم، دانشجو از نرم افزارهای مرتبط نیز استفاده خواهد کرد.

ساختار مباحث

مجموعه حاضر، شامل چهار فصل است بدین مضمون:

- ۱) در فصل اول مطالبی دربارهٔ معناشناسی ایمان از قبیل معنای لغوی و اصطلاحی «حقیقت» و «ایمان»، اقسام ایمان و ... آورده شده است.
- ۲) در فصل دوم به برخی از مهمترین مبانی فکری فخر رازی و علامه طباطبایی در دو حوزه جبری و اختیاری بودن ایمان اشاره شده است که بدون فهم و درک آنها، سخن از حقیقت ایمان بیهوده تلقی می‌شود.
- ۳) در فصل سوم مباحثی در مورد ایمان تقلیدی آورده شده است و اینکه فلاسفه و متکلمین مسلمان در این باب چه سریاتی داشته‌اند؟
- ۴) و نهایتاً در فصل چهارم استدالات فخر رازی و علامه طباطبایی در باب ایمان قلبی و زبانی، به تفصیل، بیان شده است.

پیشینه بحث

از آنجا که متکلمان و دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی همیشه این سوال را در ذهن داشته‌اند که حقیقت ایمان چیست؟ بنابراین همواره دست به جست‌وجوی منابع و آثاری برای بررسی این مساله، زده‌اند. و از آنجا که این مساله در میان دانشمندان اسلامی مورد توجه بوده است و آثار علامه از جمله تفسیر المیزان، انسان از آغاز تا انجام و بررسی‌های اسلامی و ... و از آثار فخر رازی از جمله المحصل، التفسیر الکبیر، الاربعین فی اصول الدین و ... می‌توان پژوهش را انجام داده و به نتایج مطلوب رسید. شایان ذکر است که شروع مباحث پیرامون موضوع ایمان با انگیزه‌های سیاسی به دوران حیات امام علی (ع) برمی‌گردد که با ورود خوارج به عرصه سیاست به اوج خود رسیده بود. و هر متکلمی با توجه به مکتب خود به اظهار نظر در این باب پرداخته است. لذا از گذشته در باب موضوع «ایمان» همواره تحقیقات فراوانی صورت گرفته

است. اما لازم به ذکر است که در جستجوی کتاب های کلامی متقدمان و متاخران و در میان پایان نامه های ارشد و مقاله ها اثری به شکل مستقل، درباره ی بررسی تطبیقی حقیقت ایمان از دیدگاه دو متکلم بزرگوار (فخر رازی و علامه طباطبائی)، یافت نشد.

زندگی نامه

امام ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسین تیمی بکری طبرستانی رازی، ملقب به «فخرالدین» و معروف به ابن خطیب و خطیب ری یکی از حکیمان نامبردار و از جمله متکلمان زبردست ایران است. تولد امام روز ۲۵ رمضان سال ۵۴۴ در ری بود و وفاتش در سال ۶۰۶ هجری، روز اول شوال، در هرات اتفاق افتاد. امام ابتدا نزد پدر مشغول تحصیل شد، پس از مرگ وی پیش از والدین گیلانی تلمذ کرد و آن گاه که مجدالدین گیلانی جهت تدریس به مراغه دعوت شد فخرالدین نیز در مصاحبت او بود و زمانی دراز علم کلام را پیش وی می خواند و می گوید: در این مدت کتاب شامل امام الحرمین جوینی (۴۷۸-۴۱۹ ه.ق) را که در علم کلام پرداخته، حفظ می کرد. چون فخرالدین قامت برکشید و ببالید، رهسپار خراسان شد و در آنجا بود که به آثار ابوعلی سینا (در گذشته ۴۲۸ ه.ق) واقف شد و به مطالعه آنها مشغول گشت. فخرالدین پس از تحصیل به «اورا» مسافرت کرد و در نزد غیاث الدین و برادرش شهاب الدین که از پادشاهان غور بودند، تقرب حاصل کرد، لیکن این تقرب و منزلت دیری نپایید. زیرا امام به واسطه اعتراضات و انتقاداتی که در مسئله تجسیم و تشبیه بر کرامیه می کرد، کرامیان در صدد قتل وی برآمدند و حتی زهر در طعام کردند. کرامیه که پیروان ابو عبدالله محمد بن کرام (در گذشته ۲۵۵ ه.ق) از اهل سیستان هستند، ابو عبدالله اعتقاد داشت که خدا بر عرش مستقر است و اسم جوهر بر او قابل اطلاق است و در کتاب عذاب القبر خود گوید که ذات و گوهر خدا واحد است و به قسمت بالای عرش مماس است و همواره حلول و تناسخ را جایز می دانست. داوود طیبی گوید: در اول که امام به هرات بود، فقیر و

تنگدست بود و چیزی نداشت و من در یکی از مدارس مجهول و گمنام او را دیدم که مریض بود. از تنگدستی خویش به من شکایت کرد. من از بازرگانان نامدار چیزی از زکوة مالشان بگرفتم و به وی دادم تا به خراسان برود. چون فخر رازی معروف شد و کم و کم کتابهای او به ظهور رسید، مردم به تعلیم و تعلم آن مشغول شدند و کتابهای گذشتگان را فراموش کردند و این بدان سبب بود که امام در تألیف و تصنیف و شرح کتابهای متقدمان روشی تازه داشت. در شهر هرات ارباب مذاهب به محضر درسش حاضر می شدند و اشکالها و سؤالات خود را از او می پرسیدند و او همه را به بهترین صورت ممکن جواب می گفت. به سبب وجود او و نفوذ مواظب سخنان وی جمع کثیری از کرامیان به مذهب تسنن برگشتند و امام در هرات به جایی رسید که از شیخ الاسلام لقب دادند. چون امام در حکمت و کلام تبحر داشت و از ذوق شاعرانه هم بی نصیب نبود، آن گاه که استدلال می کرد، سخنش متین و استوار بود و زمانی که مقصودش ترغیب مردم به استادی مهارت بی نظیری خلق را به انجام مقصود برمی انگیزخت و بدین جهت بود که همه به مقام علمی او اعتراف داشتند، او را به انواع می ستودند. از صفات مهم امام تکثیر و توفیر دلیل است بر اثبات یک مدعا؛ در دفتر هفتم مثنوی که منسوب به مولانا جلال الدین بلخی است چند آیه آمده که مؤید این مطلب است:

کوه و دریا و درخت و برگ و شاخ جمله مخلوقات این کاخ فداخ

شاهدی بر وحدت ذات خدا دیده عقل ای برادر برگشا

علامه، سید محمد حسین طباطبایی، فرزند سید محمد قاضی طباطبایی، در روز ۲۹ ذی حجه سال ۱۳۲۱ ق، برابر با اسفند سال ۱۲۸۲ ش، در شهر تبریز، در خاندانی که به علم و فضل و پارسایی شهره بودند، دیده به جهان گشود. نسب وی، از طرف پدر، به حضرت امام حسن مجتبی (ع) و از طرف مادر، به حضرت امام حسین (ع) می رسد. در پنج سالگی، مادر را و در نه سالگی، پدر را از دست داد و وصی پدرش، مرد و زنی را به پرستاری از او و تنها برادرش، سید محمد حسن گمارد. نه ساله بود که در کنار برادر، به آموختن قرآن و کتب مقدماتی، مانند

گلستان»، «بوستان»، «نصاب الصبیان»، «اخلاق ناصری»، «انوار سهیلی»، «تاریخ عجم»، «منشآت امیر نظام» و «ار شاد الحساب»، در نزد ادیبی لایق، به نام شیخ محمد علی سرائی پرداخت و همه اینها را در مدت شش سال (از سال ۱۲۹۰ ش، تا سال ۱۲۹۶ ش)، فراگرفت؛ علاوه بر اینها، زیر نظر استاد، میرزا علینقی خطاط، به یادگیری فنون خوشنویسی همت نهاد. علامه، در سال ۱۲۹۷ ش، وارد مدرسه طالبیه تبریز شد. ورود به این مدرسه، آغازی خجسته برای تحصیلات حوزوی وی به شمار می‌آید. او، پس از مرحله‌ای کوتاه که توفیق چندانی در علم‌اندوزی نداشت، مشمول عنایت ویژه الهی گردید و شور و شوقی دیگر را در وجود خویش احساس کرد و ادبیات عرب، منطق، فقه، اصول، کلام، فلسفه و حکمت را نزد اساتید گران‌قدر آن دیار به خوبی فراگرفت. اشتیاق بی‌حد و حصر وی به علم‌اندوزی و شهرت حوزه علمیه نجف، ایشان را در سال ۱۳۰۴ ش، راهی آن دیار مقدس کرد. با وجود مواجهه با مشکلات مختلف محیطی، معیشتی، مرگ فرزندان اول، عزم راسخ وی و دیدار با عارف نام‌دار، آیه الله حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبائی، راه تحصیل مقامات علمی و معنوی را برای او هموار ساخت. علامه، نزد آیات عظام، شیخ محمد حسین اصفهانی، معروف به کمپانی و شیخ محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی، دوره‌ای از اصول و فقه را گذراند تا به مقام اجتهاد نائل گردید و از آیه الله نائینی اجازه روایت و اجتهاد گرفت. علاقه وافر وی به علوم معقول و بهره‌مندی از مصاحبت قاضی طباطبائی، فراگیری کتب «بهرار» «شرح فصوص» فیضری و «مصباح الانس» قونوی و «فتوحات مکیه» ابن عربی را در پی داشت. علامه، در مدت شش سال، کتاب‌های «منظومه» ملا هادی سبزواری، «اسفار» ملا صدرا، «مشاعر»، «شفا» ی بو علی سینا، و «اثولوجیا» را نزد حکیم عارف، سید حسین بادکوبه‌ای فراگرفت و به توصیه وی، به فراگیری «تحریر اقلیدس» و ریاضیات، نزد آیه الله سید ابو القاسم خوانساری که متخصص این فن بود پرداخت. یکی از ویژگی‌های بارز علامه طباطبائی، مهارت در تفسیر به شیوه‌ای خاص (تفسیر آیه به آیه) است. او، گرچه، در تفسیر از دو استاد بزرگ؛ یعنی آیه الله سید علی

قاضی طباطبائی و حکیم سید حسین بادکوبه‌ای بهره برده است، اما آنچه از بیانات خود ایشان آشکار است، آموختن روش مزبور، از آیه الله قاضی طباطبائی است؛ چه، خود فرموده‌اند: «این سبک تفسیر آیه به آیه را استادمان قاضی قدس سره، به ما تعلیم دادند و ما در تفسیر از روش ایشان پیروی می‌کنیم». علامه، در سال ۱۳۱۴ ش، به دلیل مشکلات معیشتی، به زادگاه خود، تبریز بازگشت و به مدت ده سال در آنجا اقامت نمود. در این مدت، وی، علاوه بر اشتغال به کار کشاورزی، چندین رساله فلسفی را تدوین فرمود. وی، در آغاز سال ۱۳۲۵ ش، پس از سامان‌دهی نسبی به امور معاش خویش، از اقامت در تبریز روی برتافت و پس از تفأل با قرآن کریم و بیانات آیه شریفه «هنا لک الولاية الله الحق هو خیر ثوابا و خیر عقبا؛ الکهف/ ۴۴»، راهی قم شد. او، در آن زمان به قم، تدریس خارج فقه و اصول را شروع کرد، ولی به زودی احساس وظیفه، او را به سمت دیگری کشاند. خود ایشان، درباره ترک تدریس خارج فقه و اصول، می‌فرماید: «در حوزه علمیه قم، بحمد الله، افرادی هستند که فقه و اصول تدریس می‌نمایند، ولی استاد فلسفه و تفسیر، مقدار کانی نیست و در این زمان، حوزه علمیه قم و جامعه اسلامی، نیاز شدیدی به تفسیر و فلسفه دارد. اشتغال من، به این علوم، برای اسلام نافع‌تر می‌باشد». بدین ترتیب، ایشان، ابتدا در منزل و سپس در مسجد سلما سی، به تدریس «اسفار» اشتغال ورزید. این موضوع که نشاط علمی طلاب را در این زمینه در پی داشت، واکنش مخالفان فلسفه را برانگیخت و توطئه برای تعطیلی درس ایشان آغاز گشت، ولی اخلاص و پشت‌کار وی و شیوه‌های مطلوبی که از طرف آیه الله بروجردی و حضرت امام خمینی رحمه الله علیهما، در این زمینه ارائه گردید، از تعطیلی آن جلوگیری نمود و مورد توجه بسیاری از طلاب مستعد و علاقه‌مند قرار گرفت. تمام وقت علامه در این دوران که سی و پنج سال به طول انجامید، به تدریس و تحقیق در زمینه تفسیر و فلسفه و نشر معارف اسلامی گذشت و آثار گران‌قدری از ایشان باقی ماند که مورد استفاده عام و خاص است. علامه، در طول دوران تحصیل، از محضر عالمان و بزرگان بسیاری بهره گرفت که از آن جمله، می‌توان به آیات عظام

حکیم عارف سید علی قاضی طباطبائی، حکیم سید حسین بادکوبه‌ای، سید ابو القاسم خوانساری، شیخ محمد حسین غروی (کمپانی)، آیه الله نائینی، سید ابو الحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمری، آیه الله حاج میرزا علی ایروانی (مؤلف حاشیه بر مکاسب و کفایه) و آقا میرزا علی اصغر ملکی اشاره کرد.

www.ketab.ir